

تحلیل اثرات سرریز آزادی جریان سرمایه بر زیر شاخص‌های توسعه انسانی

منیره رفعت

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه اصفهان

m.rafat@ase.ui.ac.ir

این مطالعه به دنبال تجزیه و تحلیل اثر آزادی جریان سرمایه بر توسعه انسانی در منتخبی از کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی است و تبیین می‌کند که آیا جریان ورودی سرمایه به کشورهای منتخب، بر شاخص توسعه انسانی و زیر شاخص‌های آن شامل شاخص آموزش، امید به زندگی و سطح زندگی اثر مثبت داشته است یا خیر. نتایج حاصله نشان داد که اثر آزادی جریان سرمایه بر توسعه انسانی و اجزای آن (آموزش، امید به زندگی و سطح زندگی) مثبت و از لحاظ آماری معنادار است و اثر مثبت آن بر شاخص آموزش بیش از دیگر شاخص‌هاست. اثر کمک‌های خارجی بر توسعه انسانی و آموزش از نظر آماری بی‌معنی بوده و بر امید به زندگی و سطح زندگی منفی و معنادار بوده است. اثر پس‌انداز ناخالص داخلی بر تمامی مدل‌ها مثبت و از نظر آماری معنادار بوده است. همچنین اثر حکمرانی بر توسعه انسانی، سطح زندگی و امید به زندگی مثبت و معنادار بوده و بر آموزش از نظر آماری بی‌معنی بوده است. در نهایت اثر رشد اقتصادی بر توسعه انسانی و امید به زندگی منفی است.

طبقه‌بندی JEL: F23, O12, H41

واژه‌های کلیدی: آزادی جریان سرمایه، توسعه انسانی، کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی.

۱. مقدمه

کمبود سرمایه یکی از مشکلات کلیدی کشورهای در حال توسعه به منظور رهایی از عقب‌ماندگی و قرار گرفتن در مدار توسعه یافتگی به حساب می‌آید. امروزه هیچ کشور در حال توسعه‌ای نمی‌تواند خود را از اقتصاد جهانی دور نگه دارد. منافع حاصل از سیاست برون‌نگری مانند کسب مزیت در تولید کالای خاص، جریان یافتن سرمایه مولد به کشورهای در حال توسعه، رشد اقتصادی و افزایش رفاه همواره از مباحث بحث برانگیز در اقتصاد بین‌الملل بوده است.

نظریه‌های نئوکلاسیک که هسته اصلی آن‌ها مدل هکشر - اوهلین است گسترش تجارت و آزادی جریان سرمایه را به معنای تخصیصی‌تر شدن تولید و تقسیم کار بهتر و افزایش درآمد می‌داند. افزایش درآمد نیز منجر به افزایش حجم پس‌انداز شده و باعث افزایش نرخ انباشت سرمایه و رشد اقتصادی می‌شود. اجماع کلی نظریات بر آن است که ارتقا سرمایه‌گذاری موجب رشد و توسعه اقتصادی کشورها شده و رشد اقتصادی نیز به نوبه خود موجب بهبود و افزایش در توسعه انسانی می‌شود. به این صورت که رشد اقتصادی عمدتاً از طریق فعالیت خانوارها، دولت و سازمان‌های عمومی غیردولتی به فعالیت‌هایی مثل آموزش، بهداشت، هزینه‌های دولت در ارائه تسهیلات عمومی و مخارج اجتماعی، اجرای سیاست‌های توزیع مناسب‌تر درآمد و ثروت و مبارزه با فقر در جامعه تخصیص می‌یابد و بر توسعه انسانی اثر می‌گذارد. در این دیدگاه رشد درآمد ملی و در نتیجه درآمد سرانه به وضوح عامل مهم اصلی رشد قابلیت‌های افراد و توسعه انسانی است.

این مطالعه به دنبال تجزیه و تحلیل اثر آزادی جریان سرمایه بر توسعه انسانی در منتخبی از کشورهای OIC است، به این ترتیب چارچوب مقاله به صورت زیر دنبال می‌شود:

در بخش دوم به ارتباط نظری آزادی جریان سرمایه و توسعه انسانی پرداخته می‌شود. در ادامه مروری بر مطالعات پیشین ارائه و سپس الگوی اقتصادسنجی پایه‌ریزی و متغیرهای مدل تعریف می‌شوند. در بخش بعدی به تحلیل نتایج و قسمت پایانی به ارائه پیشنهاد اختصاص دارد.

۲. ارتباط نظری آزادی جریان سرمایه و توسعه انسانی

بر اساس دیدگاه نئو کلاسیکی عقیده بر این است که آزادی جریان سرمایه تنها می‌تواند در کوتاه مدت و از طریق افزایش سرمایه فیزیکی منجر به رشد اقتصادی کشور میزبان شود. اما در بلندمدت تأثیر به سزایی بر آن ندارد زیرا به عقیده نئو کلاسیک‌ها، رشد بلندمدت تنها از طریق رشد نیروی کار و فناوری روی می‌دهد. در مدل‌های رشد درون‌زا، فرض بر آن است که سرمایه‌گذاری خارجی نسبت به سرمایه‌گذاری داخلی از کارایی بیشتری برخوردار است بنابراین آزادی جریان سرمایه می‌تواند در بلندمدت نیز به رشد اقتصادی کمک نماید. در این مدل‌ها، تأکید بر کانال‌های دیگری از جمله R&D، سرمایه انسانی، نرخ ارز، عوامل بیرونی یا اثرات سرریزی است که سرمایه‌گذاری خارجی از این طریق باعث رشد اقتصادی بلندمدت می‌گردد. بر اساس تئوری‌های رشد درون‌زا، جذب سرمایه‌گذاری خارجی به واسطه انتقال فناوری منجر به ایجاد سرریزهای بهره‌وری در اقتصاد می‌گردد که این خود باعث رشد اقتصادی می‌شود. در نتیجه از سرمایه‌گذاری خارجی تحت عنوان یک کاتالیزور که فرآیند رشد را تسهیل می‌کند یاد می‌شود. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند از طریق انباشت سرمایه فیزیکی نقش مهمی در فرآیند رشد اقتصادی بازی کند (احمدی و همکاران، ۱۳۸۹).

می‌توان اثر آزادی جریان سرمایه بر توسعه انسانی را به اثرات مستقیم و غیرمستقیم تقسیم کرد. اثرات مستقیم همان افزایش درآمد ناشی از افزایش جریان سرمایه است که به نوبه خود می‌تواند به بهبودهای بعدی در توسعه انسانی منجر شود. اثرات غیرمستقیم نیز از طریق گسترش تعاملات فرهنگی و گسترش تنوع کالاهای در دسترس مصرف‌کنندگان است. سرمایه‌گذاری انواع جدیدی از کالاها و خدمات را روانه بازارها می‌کند که شامل تجهیزات پزشکی و بهداشتی نیز می‌باشد. این عوامل سلامتی، تغذیه و طول عمر افراد یک کشور را افزایش داده و باعث بهبود در شاخص توسعه انسانی آن کشور می‌شود (احمدی و حضار مقدم، ۱۳۹۲).

با این وجود به عقیده برخی صاحب‌نظران، افزایش آزادی جریان سرمایه می‌تواند اثرات منفی بر توسعه انسانی و رشد اقتصادی کشور داشته باشد. سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند با تصاحب

منابع محدود (مجوزهای واردات، نیروی انسانی ماهر، تسهیلات اعتباری و...) و سلب فرصت‌های سرمایه‌گذاری از سرمایه‌گذاران محلی برای اقتصاد میزبان مضر واقع شود. بنگاه‌ها و محصولات داخلی که در معرض رقابت با رقبای خارجی هستند، به ویژه در کشورهای فقیر قادر به مقاومت نخواهند بود و امرار معاش افراد شاغل در این بخش با تهدید جدی مواجه می‌شود. همچنین با وجود جذابیت‌های این نوع از سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذار، تجربه کشورهای جنوب شرق آسیا و آمریکای جنوبی نشان می‌دهد که درجه بالای فرار سرمایه غیرمستقیم خارجی، نمی‌تواند از نقطه نظر تأمین مالی خارجی آن را به تکیه‌گاهی مطمئن برای کشور میزبان تبدیل کند. و در واقع کشورها ناگزیرند در گزینه‌های تأمین مالی خارجی خود، وزن کمتری را به این نوع سرمایه‌گذاری اختصاص دهند (داوودی و شاهمرادی، ۱۳۸۳).

۳. پیشینه و تاریخچه موضوع تحقیق

۳-۱. مطالعات داخلی

میرباقری هیر و صفوی (۱۳۹۳)، در مقاله‌ای با عنوان "بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو منا" برای ۱۸ کشور منتخب عضو منای دوره زمانی ۲۰۱۲-۲۰۰۰، با بکارگیری داده‌های پانل پویا و برآوردگرهای روش گشتاورهای تعمیم‌یافته (GMM)، عوامل مؤثر بر توسعه انسانی را در این کشورها با تأکید بر حجم تجارت بررسی کرده‌اند. نتایج حاصل از برآورد مدل نشان داد که در تمامی مدل‌ها، تجارت تأثیر مثبت و معنادار بر توسعه انسانی داشته است. همچنین مخارج آموزشی، مخارج بخش سلامت و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نیز اثر مثبت و معنادار بر توسعه انسانی داشته‌اند.

احمدی و حضار مقدم (۱۳۹۲)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی اثر آزادسازی تجاری روی شاخص توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه"، با استفاده از روش داده‌های تابلویی و استفاده از شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری از سطح توسعه‌یافتگی کشورها و نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری حجم تجارت، به

این نتیجه رسیدند که آزادسازی تجاری اثر مثبت و معناداری بر شاخص توسعه انسانی داشته است. همچنین شرایط رقابت بین‌المللی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش اساسی در رشد و توسعه اقتصادی داشته‌اند.

مکیان، مصطفوی، و حاتمی (۱۳۹۱)، در مقاله‌ای تحت عنوان "بررسی اثر رشد تجارت بر رشد توسعه انسانی در کشورهای منتخب آسیایی: رهیافت داده‌های تابلویی"، در قالب الگوی پانل دیتا و استفاده از روش GMM برای ۱۶ کشور منتخب آسیایی شامل کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه در دوره زمانی ۲۰۰۹-۱۹۷۵، به این نتیجه رسیدند که رشد تجارت بر ارتقاء شاخص توسعه انسانی اثر مثبت و معناداری داشته است. یعنی تجارت به طور مستقیم از طریق افزایش درآمد و بهبود کیفیت زندگی، ارتقادهنده سطح رفاه افراد جامعه و توسعه انسانی بوده است. توکل‌نیا و زاهد مهر (۱۳۹۰)، با استفاده از روش داده‌های تابلویی و استفاده از لگاریتم شاخص توسعه انسانی به عنوان شاخصی از کیفیت زندگی، به این نتیجه رسیدند که پدیده جهانی شدن بر شاخص توسعه انسانی و در نتیجه کیفیت زندگی اثر مثبت و معناداری داشته است. همچنین در کنار هدف اصلی، یک بررسی مقایسه‌ای بین ایران و سایر کشورهای صادرکننده نفت از لحاظ میزان اثرگذاری جهانی شدن بر شاخص توسعه انسانی در این ۱۴ کشور صورت گرفت. طبق نتایج به‌دست آمده، ایران پس از دو کشور دیگر بیشترین اثرپذیری مثبت بر شاخص توسعه انسانی را از جهانی شدن داشته است.

۲-۳. مطالعات خارجی

گروت^۱ (۲۰۱۵)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رفاه" با در نظر گرفتن شاخص توسعه انسانی به عنوان سنجش از رفاه اجتماعی به این نتیجه رسید که طی این دوره زمانی افزایش جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رشد مصرف خانوار و رشد GDP اثر قابل توجهی نداشته است و بر شاخص توسعه انسانی اثر منفی داشته است. به عقیده

1. Groot

محقق دلیل این امر آن بوده است که آثار رفاهی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور یکسان در تمامی بخش‌ها توزیع نشده است و همچنین اثر منفی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر توسعه انسانی ناشی از اقدامات و سیاست‌های دولت‌هاست.

لهرت و همکاران^۱ (۲۰۱۳)، در مقاله‌ای تحت عنوان "جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه انسانی: تحلیل اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر رفاه اجتماعی و زیرساخت دانش کشور میزبان"، با در نظر گرفتن شاخص توسعه انسانی به عنوان معیاری از رفاه به این نتیجه رسیدند که طی این دوره زمانی، جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به صورت مثبت توسعه انسانی کشورهای مورد مطالعه را تحت تأثیر قرار داده است. همچنین جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به طور مثبت زیرساخت‌های دانش کشور میزبان را تحت تأثیر قرار داده است. حمید^۲ (۲۰۱۱)، اثر تجارت بر توسعه انسانی را در کشورهای منتخب عضو کنفرانس اسلامی بررسی کرده است. این مطالعه همان روش دیویس و کوئین لیون^۳ (۲۰۰۶)، را اتخاذ کرده و با استفاده از داده‌های ۱۹۸۰-۲۰۰۹ و بکارگیری روش گشتاورهای تعمیم یافته به این نتیجه رسیده است که در نمونه مورد بررسی، تجارت تنها از طریق کانال درآمدی می‌تواند توسعه انسانی را بهبود بخشد و بر سایر اجزای آن از قبیل طول عمر، نرخ باسوادی و آموزش بی‌تأثیر بوده است.

ریتر و استینسما^۴ (۲۰۱۰)، در مقاله‌ای تحت عنوان "توسعه انسانی و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه: تأثیر سیاست‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و فساد" برای ۴۲ کشور در حال توسعه به این نتیجه رسیدند که زمانی که سطح فساد بالا باشد، اثرپذیری توسعه انسانی از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کاهش می‌یابد و اجزای توسعه انسانی نظیر امید به زندگی و سطح سواد بهبود کمتری پیدا می‌کنند.

1. Lehnert et al.

2. Hamid

3. Davies and Quinlivan

4. Reiter and Steensma

چن و گوپتا^۱ (۲۰۰۶)، در مقاله‌ای رابطه درجه باز بودن اقتصاد و رشد اقتصادی را در ۲۰ کشور آفریقایی مورد بررسی قرار داده‌اند. بر اساس نتایج این مطالعه، ارتباط میان رشد آموزش (و در نتیجه توسعه انسانی) و باز بودن اقتصاد مثبت و معنادار بوده است. بر اساس نتایج این مطالعه زمانی که بخش‌های مالی به خوبی توسعه یافته باشند و دولت روی آموزش و بهداشت بیشتر هزینه کرده باشد، باز بودن تجاری منجر به افزایش رشد اقتصادی می‌گردد.

در اکثر مطالعات داخلی به بررسی اثر جهانی شدن و باز بودن تجاری بر توسعه انسانی و یا اثر سرمایه گذاری مستقیم خارجی بر رشد اقتصادی کشورهای مورد مطالعه پرداخته شده است و وجه تمایز مطالعه حاضر نسبت به مطالعات قبلی، برآورد الگوی اقتصادسنجی برای زیر شاخص‌های توسعه انسانی یعنی شاخص آموزش، شاخص سواد و شاخص سطح زندگی می‌باشد.

۴. ساختار الگوی اقتصادسنجی مورد مطالعه

الگوهای به کار برده شده در این پژوهش بدین گونه می‌باشد:

$$HI_{it} = f (Fk_{it} . Aid_{it} . Saving_{it} . Gov_{it} . Log IGDP_{it}) \quad (۱)$$

$$LI_{it} = f (Fk_{it} . Aid_{it} . Saving_{it} . Gov_{it} . Log IGDP_{it}) \quad (۲)$$

$$EI_{it} = f (Fk_{it} . Aid_{it} . Saving_{it} . Gov_{it} . Log IGDP_{it}) \quad (۳)$$

$$GDPP_{it} = f (Fk_{it} . Aid_{it} . Saving_{it} . Gov_{it} . Log IGDP_{it}) \quad (۴)$$

که:

HI: شاخص توسعه انسانی، LI: شاخص امید به زندگی، EI: شاخص آموزش، GDPI: شاخص سطح زندگی، Fk: آزادی جریان سرمایه، AID: کمک‌های خارجی، SAVING: پس‌انداز ناخالص داخلی، GOV: شاخص حکمرانی خوب، i: کشور، t: زمان یا دوره و $e_{i,t}$: جزء اختلال مدل است.

۴-۱. ارتباط نظری متغیرهای مستقل پژوهش با متغیر وابسته

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و توسعه انسانی:

با افزایش جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور میزبان،^۳ مجرای اصلی ضمن تأثیرپذیری از این افزایش جریان سرمایه، زمینه بهبود در توسعه انسانی را ایجاد می‌نمایند. این مجاری شامل دولت، بازار کار و خانوار هستند. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق افزایش درآمدهای مالیاتی دولت، افزایش اشتغال در جامعه و تشویق افراد جهت آموزش و کسب مهارت برای انطباق با تکنولوژی جدید، از یک طرف درآمد قابل تصرف افراد را افزایش می‌دهد و از طرف دیگر موجب افزایش ارائه خدمات عمومی همانند خدمات بهداشتی و آموزشی از طرف دولت می‌گردد و شاخص توسعه انسانی را به صورت مثبت تحت تأثیر قرار می‌دهد.

کمک‌های خارجی و توسعه انسانی:

طرفداران نظریه اعطای کمک‌های خارجی به کشورهای در حال توسعه معتقدند با اعطای کمک‌های خارجی به این کشورها، بخش صنعتی تا حدود زیادی پیشرفت کرده و علاوه بر اینکه این کشورها به بازاری مطمئن برای کالاهای صنعتی بدل می‌شوند، سرمایه‌گذاری شرکت‌های بزرگ چند ملیتی در این کشورها تسهیل می‌شود. نتیجه آن است که امکانات رفاهی و استانداردهای زندگی بالاتری برای مردم فراهم می‌شود و توسعه انسانی افزایش می‌یابد (کوساک و توبین^۱، ۲۰۰۶).

پس‌انداز ناخالص داخلی و توسعه انسانی:

هرچه سطح پس‌انداز در کشوری افزایش یابد، به معنای عرضه بیشتر منابع سرمایه‌ای بوده که این امر امکان دسترسی سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی را به منابع سرمایه‌ای افزایش می‌دهد و موجب تسهیل در فرآیند سرمایه‌گذاری می‌شود.

1. Kosack and Tobin

حکمرانی و توسعه انسانی:

حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در بر می‌گیرد که محصول مشارکت سه نهاد دولت، جامعه مدنی و بخش خصوصی است. هر سه آنها برای توسعه انسانی پایدار ضروری هستند. حکمرانی صحیح با کاهش سطح فساد موجب عملکرد مناسب بازارها می‌شود و از این رهگذر توسعه اقتصادی را بهبود می‌بخشد.

لگاریتم GDP اولیه (رشد اقتصادی) و توسعه انسانی:

تولید ناخالص داخلی عمدتاً از طریق فعالیت‌های خانوارها و دولت، جامعه مدنی سازمان‌های اجتماعی و سایر سازمان‌های غیردولتی به توسعه انسانی کمک می‌کند. رشد درآمد ملی عامل اصلی رشد قابلیت افراد است که باعث بهبود در توسعه انسانی می‌شود (فطرس و ترکمنی، ۱۳۹۱). البته بعضی کشورها ممکن است دچار وضعیتی متفاوت شوند، یعنی دارای رشد اقتصادی بالا و توسعه انسانی پایین باشند. عوامل مختلفی موجب ایجاد این موقعیت می‌شوند از جمله فساد مالی دولت، میزان هزینه‌های اجتماعی و نحوه توزیع ثروت و درآمد در جامعه.

۵. شرحی بر داده‌های آماری

نحوه دستیابی به آمار و اطلاعات به کار رفته در این مطالعه و تعریفی کوتاه از این متغیرها به طور خلاصه در جدول (۱) تشریح شده است.

جدول ۱. منبع داده‌های آماری

متغیر	تعریف	منبع آماری
متغیرهای وابسته	۱. شاخص HDI: شاخص ترکیبی توسعه انسانی	گزارش‌های توسعه انسانی سازمان ملل متحد hdr.undp.org
	۲. شاخص امید به زندگی: اندازه‌گیری شده به وسیله امید به زندگی در بدو تولد	
	۳. شاخص آموزش: ۱ اندازه‌گیری شده به وسیله نرخ باسوادی بزرگسالان و درصد ثبت‌نام در مدارس	
	۴. شاخص سطح زندگی: اندازه‌گیری شده به وسیله GDP سرانه	
سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی	حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ورودی بر اساس درصدی از GDP	پایگاه داده‌های آنلاین UNCTAD unctad.org

متغیر	تعریف	منبع آماری
کمک‌های خارجی	کمک‌های رسمی توسعه‌ای بر اساس درصدی از GDP	پایگاه داده‌های DAC OECD oecd.org/dac
پس‌انداز ناخالص داخلی	پس‌انداز ناخالص داخلی بر اساس درصدی از GDP	داده‌های بانک جهانی data.worldbank.org
حکمرانی	میانگین حسابی شاخص شش گانه حکمرانی (CO, ST, QU, EF, RU, VO)	داده‌های بانک جهانی و محاسبات محقق data.worldbank.org
لگاریتم GDP اولیه	GDP ثابت سال ۲۰۰۰	داده‌های بانک جهانی data.worldbank.org

مأخذ: متن پژوهش

قلمرو مکانی و زمانی پژوهش:

در این پژوهش نمونه مورد مطالعه شامل ۱۷ کشور منتخب عضو سازمان کنفرانس اسلامی (کشورهای آلبانی، الجزایر، آذربایجان، بنگلادش، بنین، کامرون، چاد، کومور، مصر، گینه، ایران، اردن، قزاقستان، مالزی، نیجریه، عمان، عربستان سعودی) است. دوره زمانی مورد محاسبه در این پژوهش بین سال‌های ۲۰۱۴-۲۰۰۰ می‌باشد که به دلیل محدودیت دسترسی به آمارهای مورد نیاز، دوره زمانی به این دوره محدود شده است.

۶. برآورد الگوها و تحلیل نتایج

پیش از برآورد الگوی ارائه شده، ابتدا لازم است مانایی تمام متغیرهای مورد استفاده در آن مورد آزمون قرار گیرد. نتایج آزمون مانایی متغیرها در جدول (۲) نشان داده شده است:

جدول ۲. آزمون مانایی متغیرها به روش LLC

متغیر	آزمون لوین لین چو در سطح		آزمون لوین لین چو تفاضل مرتبه اول و دوم		مانایی
	آماره	احتمال	آماره	احتمال	
HDI	-۴/۲۴۹	۰/۰۰۰۰	-	-	I (0)
LE INDEX	-	-	-۶/۲۷۳	۰/۰۰۰۰	I (1)
IE INDEX	-	-	-۸/۵۱۴	۰/۰۰۰۰	I (1)
GDP INDEX	۰/۰۰۳۴	-۲/۷۱۰۸	-	-	I (0)
Fk	-۱/۶۵۷	۰/۰۴۸	-	-	I (0)
AID	-	-	-۹/۹۹۶	۰/۰۰۰۰	I (1)
SAVING	-	-	-۴/۲۲۱	۰/۰۰۰۰	I (1)
GOV	-	-	-۲/۳۹۴	۰/۰۰۰۸	I (1)
LOG IGDP	-	-	-۳/۷۶۳	۰/۰۰۰۱	I (1)

مأخذ: خروجی نرم افزار

جدول فوق، نشان دهنده نتایج آزمون مانایی مربوط به هر یک از متغیرهای مورد استفاده در الگوی این مطالعه است. همان طور که از بررسی مقادیر آماره‌های محاسبه شده و احتمال پذیرش آنها پیداست، همه متغیرها در سطح مانا نیستند لذا ضروری است که برای اطمینان از جعلی نبودن رگرسیون‌های برآوردی و قابلیت اطمینان به برآورد به دست آمده از پارامترها، آزمون هم‌جمعی برای معادلات برآورد شده انجام گیرد.

آزمون هم‌جمعی^۱: در این مطالعه برای بررسی هم‌جمعی بین متغیرهای پژوهش، از آزمون کائو^۲ استفاده می‌شود. نتایج آزمون هم‌جمعی برای چهار مدل این مطالعه در جدول (۳) آمده است.

1. Cointegration

2. Kao

جدول ۳. آزمون هم‌جمعیتی بین متغیرها به روش کائو

آماره t	احتمال	
-۵/۰۴۴۴	۰/۰۰۰۰	مدل HDI INDEX
-۱/۷۳۳	۰/۰۴۱۵	مدل LE INDEX
-۱/۶۹۶	۰/۰۴۴۹	مدل EI INDEX
-۲/۹۶۴	۰/۰۰۱۵	مدل GDP INDEX

مأخذ: محاسبات محقق

فرضیه صفر آزمون کائو نشان‌دهنده عدم وجود هم‌جمعیتی بین متغیرها و فرضیه مقابل نشان دهنده وجود هم‌جمعیتی بین متغیرها در تمامی مقاطع است. با توجه به مقدار آماره t و احتمال حاصل از آزمون کائو فرضیه صفر آزمون رد می‌شود. از این رو متغیرهای موجود به شیوه تصریح شده در معادله‌ها با هم ارتباط بلندمدت داشته و هم‌جمع هستند. در نتیجه می‌توان گفت که الگوهای برآورد شده جعلی نبوده و قابل اطمینان می‌باشند.

آزمون F لیمر: در برآورد یک مدل که داده‌های آن از نوع ترکیبی است، ابتدا باید نوع الگوی برآورد مشخص شود. در مورد داده‌های ترکیبی به این منظور از آزمون F لیمر استفاده می‌شود. در صورتی که مقدار F محاسبه شده از F جدول با درجات آزادی مشخص شده بزرگتر باشد، فرضیه H_0 مبنی بر همگنی مقاطع و عرض از مبداهای یکسان رد می‌شود و در نتیجه می‌توان از روش پانل جهت برآورد استفاده نمود. ولی در صورتی که فرضیه H_0 پذیرفته شود، استفاده مدل از داده‌های تلفیقی مورد تأیید آماری قرار می‌گیرد. نتایج حاصل از انجام آزمون F لیمر در نرم‌افزار استاتا برای چهار مدل برآوردی مطالعه در جدول زیر آورده شده است:

جدول ۴. آزمون F لیمر

آماره F (۱۶ و ۲۳۳)	احتمال
۱۶۸/۴۶	۰/۰۰۰۰ مدل HDI INDEX
۸۶/۰۱	۰/۰۰۰۰ مدل LE INDEX
۱۰۱/۶۵	۰/۰۰۰۰ مدل EI INDEX
۱۵۵/۲۹	۰/۰۰۰۰ مدل GDP INDEX

مأخذ: خروجی نرم افزار

آزمون هاسمن: در تعیین مدل ارجح از میان مدل اثر ثابت و اثر تصادفی آزمون هاسمن به کار گرفته می شود. در این آزمون فرضیه صفر بر پانل دیتا با اثرات تصادفی و فرضیه مخالف بر پانل دیتا با اثرات ثابت دلالت دارد.

جدول ۵. نتایج انجام آزمون هاسمن

آماره کای دو با درجه آزادی ۵	احتمال
۳۰/۳۳	۰/۰۰۰۰ مدل HDI INDEX
۱۳۷/۰۷	۰/۰۰۰۰ مدل LE INDEX
۴۰/۳۲	۰/۰۰۰۰ مدل EI INDEX
۲۹۲/۲۵	۰/۰۰۰۰ مدل GDP INDEX

مأخذ: خروجی نرم افزار

همان گونه که از نتایج به دست آمده از آزمون هاسمن برای تمامی مدل‌ها مشخص است تمامی مدل‌ها بایستی با روش اثرات ثابت برآورد گردند.

آزمون ناهمسانی واریانس: در این مطالعه از آزمون والد تعدیل شده استفاده می شود. آماره این آزمون دارای توزیع کای دو بوده و فرض صفر این آزمون مبنی بر همسانی واریانس است. لذا با توجه به مقادیر به دست آمده تمامی مدل‌ها دارای مشکل ناهمسانی واریانس هستند.

جدول ۶. نتایج آزمون والد تعدیل شده

احتمال	آماره کای-دو
مدل HDI INDEX	۰/۰۰۰۰ ۱۴۷/۱۸
مدل LE INDEX	۰/۰۰۰۰ ۱۶۹۴/۷۱
مدل EI INDEX	۰/۰۰۰۰ ۱۷۷/۶۲
مدل GDP INDEX	۰/۰۰۰۰ ۲۵۹۹/۸۲

مأخذ: خروجی نرم‌افزار

آزمون خودهمبستگی وولدریج^۱: در این آزمون فرض صفر حاکی از عدم وجود خودهمبستگی بین اجزاء اخلاص در دوره زمانی مورد مطالعه است. نتایج حاصل از این آزمون در جدول زیر قید گردیده است.

جدول ۷. نتایج آزمون وولدریج

احتمال	مقدار آماره	تفسیر
مدل HDI INDEX	۰/۰۰۰۰ ۱۶۳/۵۶۹	خودهمبستگی دارد
مدل LE INDEX	۰/۰۰۰۱ ۲۶/۲۴۲	خودهمبستگی دارد
مدل EI INDEX	۰/۰۰۰۰ ۳۹/۱۰۷	خودهمبستگی دارد
مدل GDP INDEX	۰/۰۰۳۸ ۱۱/۴۵۷	خودهمبستگی دارد

مأخذ: خروجی نرم‌افزار

برآورد الگو و تحلیل نتایج: نتایج حاصل از چهار آزمون F لیمر، هاسمن، والد تعدیل شده و وولدریج برای ۱۷ کشور عضو سازمان کنفرانس اسلامی به ترتیب بیان گر این است که الگوهای مذکور از طریق روش داده‌های تابلویی و اثرات ثابت برآورد گردند. نتایج حاصل از آزمون والد تعدیل شده نیز نشان‌دهنده وجود مشکل ناهمسانی واریانس در تمامی معادلات است، همچنین نتایج حاصل از آزمون وولدریج وجود مشکل خودهمبستگی را در تمامی مدل‌ها نشان می‌دهد. از این‌رو با توجه به اینکه یکی از روش‌های رفع مشکل ناهمسانی واریانس و خودهمبستگی برآورد

1. Wooldridge Autocorrelation test

مدل به روش حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) در محیط داده‌های تابلویی است، برای تخمین معادلات از این روش استفاده می‌شود.

در جداول ۸ تا ۱۱ نتایج حاصل از برآورد الگوها با روش حداقل مربعات تعمیم یافته مشاهده می‌شود:

جدول ۸. برآورد الگوی توسعه انسانی (HDI) به روش (GLS)

متغیر	ضریب	آماره z	$p > z $
Fk	۰/۰۰۰۷۳	۳/۲۲	۰/۰۰۰۱
Aid	-۰/۰۰۰۲۸	-۱/۸۸	۰/۰۵۹
Saving	۰/۰۰۰۳۰	۸/۴۸	۰/۰۰۰
Gov	۰/۰۶۱۹	۵/۲۸	۰/۰۰۰
Log IGDP	-۰/۰۰۰۸۳	-۲/۷۱	۰/۰۰۷
Cons	۰/۸۱۶	۹/۴۱	۰/۰۰۰
Wald chi2 (5) = ۱۸۳/۶۶			
Prob > chi2 = ۰/۰۰۰			

مأخذ: محاسبات محقق

نتایج حاصل از آزمون والد با آماره ۱۸۳/۶۶ و احتمال صفر نشان‌دهنده آن است که مدل به درستی تصریح شده است پس می‌توان تحلیل نتایج را انجام داد.

جدول ۹. برآورد الگوی امید به زندگی (LI) به روش (GLS)

متغیر	ضریب	آماره z	p>lzl
Fk	۰/۰۰۰۵۵	۲/۲۹	۰/۰۲۲
Aid	-۰/۰۰۴۶	-۲/۷۵	۰/۰۰۶
Saving	۰/۰۰۱۵	۴/۸۰	۰/۰۰۰
Gov	۰/۰۳۳۰	۲/۷۷	۰/۰۰۶
Log IGDP	-۰/۰۰۷۰	-۲/۴۴	۰/۰۲۵
Cons	۰/۸۹۵۱	۱۰/۵۸	۰/۰۰۰
Wald chi2 (5) = ۷۵/۹۸			
Prob>chi2 = ۰/۰۰۰			

مأخذ: محاسبات محقق

جدول ۱۰. برآورد الگوی آموزش (EI) به روش (GLS)

متغیر	ضریب	آماره z	p>lzl
Fk	۰/۰۰۲۱۶	۴/۸۰	۰/۰۰۰
Aid	-۰/۰۰۱۸	-۰/۷۳	۰/۴۶۲
Saving	۰/۰۰۲۶	۵/۰۴	۰/۰۰۰
Gov	۰/۰۲۷۴	۱/۳۷	۰/۱۷۰
Log IGDP	-۰/۰۰۸۴	-۱/۷۷	۰/۰۷۷
Cons	۰/۷۵۱۴	۵/۶۶	۰/۰۰۰
Wald chi2 (5) = ۶۶/۹۴			
Prob>chi2 = ۰/۰۰۰			

مأخذ: محاسبات محقق

جدول ۱۱. برآورد الگوی سطح زندگی (GDPI) به روش (GLS)

متغیر	ضریب	آماره z	p> z
Fk	۰/۰۰۰۸۷	۳/۴۰	۰/۰۰۱
Aid	-۰/۰۰۰۴۵	-۳/۳۵	۰/۰۰۱
Saving	۰/۰۰۰۲۹	۸/۰۵	۰/۰۰۰
Gov	۰/۰۰۰۶۷۸	۵/۰۰	۰/۰۰۰
Log IGDP	-۰/۰۰۰۳۱	-۱/۰۰	۰/۳۱۸
Cons	۰/۶۶	۷/۶۲	۰/۰۰۰
Wald chi2 (5) = ۱۵۸/۴۷			
Prob>chi2 = ۰/۰۰۰			

مأخذ: محاسبات محقق

در این بخش به نقش هر یک از متغیرها در تأثیرگذاری بر شاخص توسعه انسانی و سه متغیر وابسته دیگر (شاخص آموزش، شاخص امید به زندگی و شاخص سطح زندگی) کشورهای منتخب پرداخته می‌شود.

آزادی جریان سرمایه: با توجه به نتایج پژوهش، متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ضریب ۰/۰۰۰۷، در سطح اهمیت ۵ درصد معنادار و دارای اثر مثبت بر سطح توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی می‌باشد. به این معنی که یک واحد افزایش در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منجر به افزایش ۰/۰۰۰۷ واحدی در شاخص توسعه انسانی می‌گردد. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که افزایش جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی عاملی در جهت افزایش توسعه انسانی و اجزای آن در کشورهای مورد مطالعه است. لذا نتایج این مطالعه در واقع تأییدکننده دیدگاه‌های خوشبینانه در رابطه با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و لزوم ادغام در اقتصاد جهانی می‌باشد.

با توجه به نتایج پژوهش، متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ضریب ۰/۰۰۰۸ در سطح اهمیت ۵ درصد معنادار و دارای اثر مثبت بر سطح زندگی در کشورهای مورد مطالعه است. به این

مفهوم که با افزایش ۱ واحدی در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص سطح زندگی به اندازه ۰/۰۰۰۸ افزایش می‌یابد. ادبیات ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی به دو دسته اثرات مثبت و منفی تقسیم می‌شود. از نظر گروه اول FDI می‌تواند از طریق انباشت سرمایه فیزیکی و سرریزهای دانش نقش مهمی در فرایند رشد اقتصادی بازی کند. با این وجود گروه دوم معتقدند FDI با تصاحب منابع محدود (مجوزهای واردات، نیروی انسانی ماهر، تسهیلات اعتباری و...) و سلب فرصت‌های سرمایه‌گذاری از سرمایه‌گذاران محلی، برای اقتصادهای میزبان مضر واقع شود. نتایج مطالعه حاضر تأییدکننده ارتباط مثبت بین جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و رشد اقتصادی (و در نتیجه تولید ناخالص داخلی سرانه) می‌باشد.

با توجه به نتایج پژوهش، متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ضریب ۰/۰۰۰۵ در سطح اهمیت ۵ درصد معنادار و دارای اثر مثبت بر امید به زندگی در کشورهای مورد مطالعه است. به این مفهوم که با افزایش ۱ واحدی در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص امید به زندگی به اندازه ۰/۰۰۰۵ واحد افزایش می‌یابد. در رابطه با اثر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر امید به زندگی دو دسته نظریات وجود دارد که دسته اول مطرح‌کننده تأثیر مثبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر امید به زندگی کشور میزبان هستند. با این استدلال که سرمایه‌گذاران خارجی اغلب محیط امن‌تر و خدمات اجتماعی مطلوب‌تری برای نیروی کار خود فراهم می‌کنند و از طرف دیگر رشد اقتصادی ناشی از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، موجب می‌شود مردم تقاضای بیشتری برای خدمات سلامت و بهداشت داشته باشند. دسته دوم نظریات نگاه بدبینانه‌ای به ارتباط بین سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و امید به زندگی دارند و مطرح می‌کنند جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی اغلب موجب سطح بالای استرس و نگرانی نیروی کار در مورد اخراج خود می‌شود. از طرف دیگر ادغام در اقتصاد جهانی دولت‌ها را در ارائه خدمات عمومی محدودتر می‌کند. حضور سرمایه‌گذاران خارجی در بخش‌هایی که دارای آلاینده‌گی بالایی هستند می‌تواند سلامت کشور میزبان را از طریق افزایش هزینه‌های سلامت

تخریب نماید. بنابراین نتایج حاصل از این مطالعه تأییدکننده دسته اول نظریات در رابطه با تأثیر مثبت جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر امید به زندگی کشورهای مورد مطالعه است.

با توجه به نتایج مطالعه، متغیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با ضریب $0/002$ در سطح اهمیت ۵ درصد معنادار و دارای اثر مثبت بر سطح آموزش در کشورهای مورد مطالعه است. به این مفهوم که با افزایش ۱ واحدی در جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، شاخص آموزش به اندازه $0/002$ واحد افزایش می‌یابد. متغیر وابسته شاخص آموزش بیش از سه متغیر وابسته دیگر تحت تأثیر مثبت جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار گرفته است. به این مفهوم که در کشورهای مورد مطالعه بخش بیشتری از منافع حاصل از جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صرف آموزش نیروی کار و بهبود استانداردهای آموزشی شده است و بخش آموزش ظرفیت جذب بالاتری برای استفاده از منافع حاصل از FDI ورودی داشته است.

کمک‌های خارجی: ضریب مربوط به کمک‌های خارجی در مدل‌های توسعه انسانی و آموزش از نظر آماری بی‌معنی می‌باشد. به این مفهوم که افزایش کمک‌های رسمی توسعه‌ای تأثیری بر سطح آموزش و توسعه انسانی در کشورهای مورد بررسی در دوره زمانی مورد مطالعه نداشته است. در مورد مدل امید به زندگی و سطح زندگی، ضرایب مربوطه به ترتیب $0/0046$ - و $0/0045$ - و معنادار هستند. نبود ظرفیت در نهادهای دولتی، فساد اداری، عدم هماهنگی میان دولت و کشورهای کمک‌کننده در عملی شدن پروژه‌ها از جمله دلایلی هستند که موجب می‌شوند تأثیر کمک‌های خارجی بر توسعه انسانی و اجزای آن به صورت منفی باشد.

پس‌انداز ناخالص داخلی: ضریب مربوط به پس‌انداز ناخالص داخلی در هر ۴ مدل برآوردی مثبت بوده و از نظر آماری در سطح اطمینان ۵ درصد معنادار می‌باشد. این امر نشان می‌دهد یک واحد افزایش در پس‌انداز ناخالص داخلی، میزان شاخص توسعه انسانی را به اندازه $0/003$ ، شاخص آموزش را به اندازه $0/002$ ، شاخص امید به زندگی را به اندازه $0/001$ و شاخص سطح زندگی را به اندازه $0/0029$ افزایش داده است. نتایج به‌دست آمده مطابق تئوری است. اهمیت نرخ پس‌انداز برای تراکم سرمایه و رشد تولید در مدل‌های رشد مورد تأکید ویژه قرار گرفته

است. برای مثال در مدل رشد هارود-دومار نرخ پس‌انداز از جمله تعیین‌کننده‌های نرخ رشد بوده که با افزایش آن، نرخ رشد نیز افزایش می‌یابد. در مدل نئوکلاسیک نیز از جمله پارامترهای تعیین‌کننده شرط تعادلی، نرخ پس‌انداز است. به طوری که در صورت تغییر آن، مسیر رشد نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. دوزنبیری با ارائه فرضیه درآمد نسبی معتقد است که پس‌انداز نه تنها با درآمد جاری بلکه با سطوح قبلی درآمد نیز ارتباط دارد. بنابراین زمانی که درآمد جاری نسبت به بالاترین دوره قبل یا حداکثر درآمد گذشته افزایش یابد، میل متوسط به پس‌انداز نیز افزایش خواهد یافت و در نتیجه پس‌انداز کل افزایش می‌یابد.

حکمرانی: ضریب برآوردی مربوط به حکمرانی برای مدل آموزش مثبت و از نظر آماری بی‌معنی می‌باشد به این مفهوم که بهبود کیفیت حکمرانی در کشورهای مورد مطالعه تأثیری بر شاخص آموزش نداشته است. در سه مدل دیگر ضرایب برآوردی مثبت و از نظر آماری معنی‌دار می‌باشند. به گونه‌ای که با یک واحد افزایش در حکمرانی، شاخص توسعه انسانی به اندازه ۰/۰۶، شاخص امید به زندگی به اندازه ۰/۰۳ و شاخص سطح زندگی به میزان ۰/۰۶ افزایش می‌یابند. حکمرانی خوب با گسترش ارتباط میان پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، به افزایش موجودی سرمایه و بهره‌وری سرمایه‌گذاری دولتی کمک کرده و با توزیع حقوق میان کارگران، بهره‌وری و رشد را افزایش داده و با مرزبندی حقوق بازار از طریق رقابت، رانت تولیدکننده را محدود می‌سازد و توان دولت را برای اصلاح نقایص بازار افزایش می‌دهد و موجب افزایش مخارج آموزشی و بهداشتی می‌شود. نتیجه آنکه حکمرانی خوب در نهایت به افزایش رشد اقتصادی و بهبود در توسعه انسانی می‌انجامد (کمیجانی و سلاطین، ۱۳۸۹).

لگاریتم GDP اولیه (شاخصی از رشد اقتصادی در طول زمان): ضریب برآوردی لگاریتم GDP اولیه برای شاخص آموزش و سطح زندگی منفی و از نظر آماری بی‌معنی است. ولی در مورد دو مدل دیگر ضرایب به دست آمده منفی و از نظر آماری معنی‌دارند. به گونه‌ای که یک واحد افزایش در رشد اقتصادی در طول زمان موجب می‌شود شاخص توسعه انسانی به اندازه ۰/۰۰۸ و شاخص امید به زندگی به اندازه ۰/۰۰۷ کاهش یابند.

می‌توان نتیجه حاصل از این مطالعه را به نوعی با پدیده رشد اقتصادی نامتوازن مربوط دانست که در آن رشد اقتصادی کشورها قوی و توسعه انسانی ضعیف است. این امر می‌تواند ناشی از نابرابری در توزیع درآمدها باشد. اگر رشد اقتصادی درست مدیریت نشود، برای توسعه اقتصادی زیان‌بار خواهد بود. بنابراین کیفیت رشد از نظر تأثیر در کاهش نرخ فقر، توسعه انسانی و پایداری آن به اندازه کمیت رشد دارای اهمیت است. در فرآیند رشد لازم است واسطه‌ای وجود داشته باشد که بر اساس آن، منافع رشد در زندگی مردم نمود یابد. همچنین علامت منفی ضرایب برآوردی، وجود همگرایی را در مدل تبیین می‌کند. همگرایی ویژگی بارز مدل نئوکلاسیک رشد است که در دهه ۱۹۶۰ توسعه یافت. بارو^۱ (۱۹۹۶) تبیین می‌کند که برای یک سطح داده شده از وضعیت اقتصادی (مانند امید به زندگی و تحصیلات عالی اولیه، مرگ‌ومیر پایین، بستر نهادی مناسب برای فعالیت‌های اقتصادی-سیاسی و وضعیت‌های دیگر)، نرخ رشد اقتصادی به طور منفی به سطح اولیه GDP مربوط خواهد بود که ناشی از بازده نزولی سرمایه در مدل نئوکلاسیک رشد است.

1. Barro

۷. جمع‌بندی و ارائه پیشنهادات

- با توجه به رابطه مثبت بین آزادی جریان سرمایه و توسعه انسانی، می‌توان منافع ناشی از آزادی جریان سرمایه را که به صورت افزایش درآمد سرانه خواهد بود، عمدتاً در مسیر بهداشت و آموزش افراد جامعه هدایت کرد. افزایش سطح توسعه انسانی به زمینه‌ساز و محرکی برای رشد اقتصادی کشورها در آینده تلقی خواهد شد. همچنین لازم است دولت‌ها با سیاست‌های تشویقی سعی در جذب هرچه بیشتر منابع سرمایه‌ای خارجی نمایند و بسترهای لازم برای جذب سرمایه‌های خارجی را فراهم نمایند.

- با توجه به رابطه مثبت بین پس‌انداز ناخالص داخلی و توسعه انسانی، لازم است دولت‌ها از طریق سیاست‌های تشویقی موجبات حفظ و تقویت نسبت بالای پس‌انداز به تولید ناخالص داخلی و نیز میل بالا به پس‌انداز را در اقشار مختلف مهیا نمایند. همچنین از طریق ایجاد و تقویت مؤسسات مالی و اعتباری، انتشار اوراق مشارکت دارای جاذبه برای مردم و تقویت بورس اقدام به تقویت پس‌انداز در سرمایه‌گذاری‌ها نمایند به گونه‌ای که نقدینگی‌های در دست مردم جذب شده و از طریق کانال‌های مطمئن و کارا و با هدف رشد و توسعه اقتصادی تبدیل به سرمایه‌گذاری‌های مولد گردند.

- ارتباط بین شاخص حکمرانی خوب و شاخص توسعه انسانی مثبت است و لازم است کشورها با بسترسازی برای ایجاد اصلاحات سیاسی، قضایی، اداری و مدیریتی، بهبود سیاست‌های اقتصادی و توسعه نهادهای مدنی، بهبود فضای کسب‌وکار و تأمین امنیت سیاسی و اقتصادی موجبات رشد و توسعه اقتصادی و انسانی را فراهم آورند.

- ارتباط بین شاخصی از رشد اقتصادی در طول زمان و شاخص توسعه انسانی منفی است. بنابراین لازم است واسطه‌هایی وجود داشته باشد که اثرات مثبت رشد اقتصادی بر توسعه انسانی و اجزای آن را در اقتصاد ایجاد نماید و جلوی پدیده رشد اقتصادی نامتوازن گرفته شود. به این منظور سیاست‌هایی مثل تخصیص منابع بیشتر به آموزش و بهداشت، توزیع درآمد مناسب‌تر (مثلاً از طریق اصلاحات مالیاتی) و خلق فرصت‌های شغلی جدید لزوم پیدا می‌کند.

- با توجه به وجود ارتباط منفی بین کمک‌های خارجی و شاخص سطح زندگی، لزوم بازنگری در نحوه استفاده از کمک‌های خارجی در کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی وجود دارد. دولت‌ها می‌بایست با مدیریت و توزیع متناسب کمک‌ها، بالا بردن کیفیت نهادها و مؤسسات و ایجاد ثبات سیاسی به منظور افزایش ظرفیت جذب کمک‌های خارجی، شرایطی را فراهم آورند که منافع حاصل از کمک‌های خارجی موجب اثر مثبت بر درآمد سرانه گردد.
- از آنجایی که محرک‌های رشد اقتصادی از قبیل درجه باز بودن تجارت، عمق مالی، نرخ سرمایه‌گذاری و توسعه انسانی نسبت به ترمزهای رشد همچون نرخ رشد جمعیت و مخارج دولت در کشورهای اسلامی ضعیف‌تر هستند، این کشورها در مواجهه با جهانی شدن و ادغام در اقتصاد جهانی با انواع چالش‌ها، محدودیت‌ها و فرصت‌های فزاینده مواجهند و لذا توصیه می‌شود این کشورها تلاش در جهت افزایش ثبات منطقه‌ای، نوآوری و اختراع، تولید علم و افزایش سرمایه‌گذاری خارجی، توسعه نهادهای مالی و افزایش ظرفیت جهت جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نمایند. همچنین این کشورها باید در نظر داشته باشند که حجم دولت را کاهش داده و فضا را برای عملکرد بخش خصوصی گسترش دهند زیرا سرمایه‌های خارجی به بخش خصوصی کشور میزبان وارد می‌شود.

منابع

- احمدی، علی محمد و نسرین حصار مقدم (۱۳۹۲)، "بررسی اثر آزادسازی تجاری روی شاخص توسعه انسانی در کشورهای در حال توسعه"، نشریه مطالعات راهبردی جهانی شدن، شماره ۱۱، صص ۲۰۰-۱۴۱.
- احمدی، علی محمد؛ دهنوی، جلال و امین حق نژاد (۱۳۸۹)، "رشد اقتصادی و سرمایه گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه: یک تجزیه و تحلیل مبتنی بر داده‌های پانلی"، پژوهشنامه اقتصادی، شماره ۴۱، صص ۱۸۰-۱۵۹.
- توکل‌نیا، محمد رضا و امین زاهد مهر (۱۳۹۰)، "تحلیل اثر جهانی شدن بر شاخص کیفیت زندگی بر اساس تخمین پنل دیتا برای کشورهای صادر کننده نفت"، نشریه مطالعات راهبردی جهانی شدن، شماره ۳، صص ۳۶-۱۹.
- داوودی، پرویز و اکبر شاهمرادی (۱۳۸۳)، "بازشناسی عوامل مؤثر بر جذب سرمایه گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ایران و ۴۶ کشور جهان در چارچوب یک الگوی تلفیقی"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، شماره ۲۰، صص ۱۱۳-۸۱.
- فطرس، محمد حسن و اسماعیل توکمنی (۱۳۹۱)، "توسعه انسانی تعدیل شده و پایداری رشد اقتصادی: مقایسه تطبیقی کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه"، فصلنامه علمی پژوهشی، سال دوم، شماره هفتم.
- کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۹)، "بررسی تأثیر کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در ایران و کشورهای منتخب همسایه"، فصلنامه مدیریت، شماره ۲۰، صص ۴۱-۲۷.
- مکیان، سید نظام الدین؛ مصطفوی، سید محمد حسن و رضایه حاتمی (۱۳۹۱)، "بررسی اثر رشد تجارت بر رشد توسعه انسانی در کشورهای منتخب آسیایی: رهیافت داده‌های تابلویی"، فصلنامه اقتصاد مقداری، شماره ۱، صص ۷۰-۵۵.
- میرباقری هیر، میر ناصر و سید راشد صفوی (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر تجارت بر توسعه انسانی در کشورهای منتخب عضو منا"، فصلنامه علمی پژوهشی، پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، شماره ۱۶، صص ۱۲۰-۱۰۶.

- Barro, R. J.** (1996), *Determinants of Economic Growth: A cross-country Empirical Study*, Cambridge, MA: MIT Press.
- Chen, C. and R. Gupta.** (2006), "An Investigation of Openness and Economic Growth, Using Panel Estimation", *Working Paper Series*, Dept. of Economics, University of Pretoria: South Africa.
- Davies, A. and G. Quinlivan** (2006), "A Panel Data Analysis of the Impact of Trade on Human Development", *Journal of Socio-Economic*, Vol 35, pp. 868-879.
- Groot, O. D.** (2015), "Foreign Direct Investment and Welfare", *ECLAC-Production Development Series*, No. 195, pp. 1-35.
- Hamid, A.** (2011), "The Effect of Trade on Community Development in Selected Countries of the Islamic Conference", *Organization of Islamic Conference*, Working Paper, pp. 253-268.
- Kosack, S. and J. Tobin** (2006), "Funding self-sustaining Development: Role of aid, FDI and Government in Economic Success", *International Organization*, Vol. 60, pp. 205-243.
- Lehnert, K.; Benmamoun, M. and H. Zhao** (2013), "FDI Inflow and Human Development: Analysis of FDI's Impact on Host Countries Social Welfare and Infrastructure", *Thunderbird International Business Review*, 55(3), pp. 285-298.
- Reiter, S. L. and H. Kevin** (2010), "Human Development and Foreign Direct Investment in Developing Countries: the Influence of FDI Policy and Corruption", *World Development*, 38(12), pp. 1678-1691.
- UNCTAD** (2015), *Foreign Direct Investment and Development*, New York: United Nations.